



# مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء علیه السلام

دوره سوم \* شماره دهم \* زمستان ۱۴۰۳



## بررسی عوامل انگیزه بخش الهی در سبک زندگی اسلامی از منظر آیات و روایات

مریم میرزاده<sup>۱</sup>

چکیده

انسان مؤمن که دل‌بستگی چندانی به انگیزه‌های مادی و دنیوی ندارد، برای استمرار مسیر بندگی نیازمند انگیزه‌هایی اصیل و پایدار است؛ انگیزه‌هایی هم‌سوی با معارف دینی که شور و پویایی را در متن زندگی حفظ کند. در شرایطی که رسانه‌های معاصر با ترویج انگیزه‌های سطحی و زودگذر، ذهن و دل انسان‌ها را دربر گرفته‌اند، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان الگویی انگیزشی برای جامعه ایمانی ارائه کرد که ضمن برخورداری از پشتوانه و حیاتی، پاسخگوی نیازهای روحی و روانی انسان معاصر نیز باشد؟ این نوشتار با رویکردی توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، به بررسی عوامل انگیزه‌بخش در سبک زندگی اسلامی پرداخته و ضمن تمکیک انگیزه‌های الهی، ولایی، روان‌شناختی و اجتماعی، صرفاً بر انگیزه‌های الهی متمرکز است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون معرفت خداوند، عشق الهی، خوف از عذاب، رضا به قضای الهی و احساس حضور در محضر ربوبی، نقش بنیادینی در جهت‌دهی رفتار و پایداری روانی مؤمنان دارند. این آموزه‌های معنوی ظرفیت آن را دارند که انگیزه‌هایی پایدار و تعالی‌بخش را در وجود انسان نهادینه کنند؛ انگیزه‌هایی که نه تنها با عوامل روان‌شناختی تعارضی ندارند، بلکه عمق‌بخش و جهت‌دهنده آن‌ها محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی

انگیزه‌های الهی، سبک زندگی اسلامی، معارف دینی، روان‌شناسی دینی، معرفت خداوند، عشق الهی، پایداری روانی.

	Mdagooei@Gmail.com	۱. دانش‌آموخته مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ دانش‌پژوه سطح ۲، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء علیه السلام
	0009-0008-6844-0623	
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰
	استناددهی: میرزاده، مریم (۱۴۰۳). «بررسی عوامل انگیزه‌بخش الهی در سبک زندگی اسلامی از منظر آیات و روایات»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۳، ش ۱۰، صفحات ۲۳-۴۵.	
	<a href="https://alaorahman.jz.ac.ir/article_234059.html">https://alaorahman.jz.ac.ir/article_234059.html</a>	

## مقدمه

انسان موجودی چندلایه و پیچیده است که ابعاد وجودی او در ساحت‌های عقل، قلب، خیال و جوارح تجلی می‌یابد. این ابعاد در مواجهه با حقایق متعالی هستی همچون خداوند، اولیای الهی و معاد، و نیز در برخورد با جلوه‌های مادی مانند ثروت، قدرت، تعلقات دنیوی و مظاهر تمدن مدرن، گرایش‌های گوناگونی از خود بروز می‌دهند؛ گرایش‌هایی که در دو طیف ایجابی (محبت، شوق، امید) و سلبی (ترس، نفرت، طمع) ظاهر می‌شوند. این گرایش‌ها در حقیقت همان انگیزه‌هایی است که زیربنای رفتار انسان و جهت‌دهنده تصمیم‌ها و انتخاب‌های او در زندگی به شمار می‌روند. انسان مؤمن که در مسیر کمال و سعادت ابدی گام برمی‌دارد، نیازمند شناخت دقیق انگیزه‌های صحیح است تا از یک‌سوز آسیب‌های ناشی از انگیزه‌های منفی چون حب دنیا و ترس از قدرت‌های استکباری مصون بماند و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از انگیزه‌های تعالی بخش مانند محبت الهی، شوق لقای خداوند و خوف از عذاب، مسیر بندگی را با شور و امید ادامه دهد و دچار بی‌انگیزگی و افسردگی نشود. بدین ترتیب، انگیزه‌های درونی برخاسته از ایمان، نه تنها جهت‌دهنده، بلکه ضامن تحقق سبک زندگی اسلامی‌اند. امروزه، در فضایی که گرایش‌های مادی و ایدئولوژی مصرف‌گرا ذهن و دل انسان معاصر را فراگرفته و سبک زیست مؤمنانه نسبت به عصر صدر اسلام یا دوران دفاع مقدس کمرنگ‌تر شده، بازشناسی و احیای انگیزه‌های اصیل دینی ضرورتی دوچندان یافته است. در چنین شرایطی، پرداختن به عوامل انگیزه‌بخش در سبک زندگی اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی هویت دینی، تقویت التزام عملی و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی در عرصه فردی و اجتماعی باشد.

### پیشینه تحقیق

پیرامون موضوع این مقاله، افزون بر منابع عام (قرآنی، حدیثی و تفسیری) منابع خاصی هم تدوین یافته‌اند؛ از جمله:

۱) مقاله زهرا نیکونژاد و ولی‌الله حسومی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی روش‌های ایجاد انگیزه‌ی دینی از منظر سیره‌ی تربیتی اهل بیت (علیهم‌السلام)»، به تحلیل راهکارهای تربیتی معصومان در جهت تقویت انگیزش دینی پرداخته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد اهل بیت (علیهم‌السلام)



با بهره‌گیری از شیوه‌های ایجادیه همچون ترغیب، تبشیر، ارائه‌ی الگو و همچنین روش‌های اصلاحی نظیر انذار و تغافل، توانسته‌اند انگیزه‌ی دینی را در افراد تقویت و نهادینه سازند. در این مقاله با بیان سه سطح انگیزشی در انسان، بر نقش مؤلفه‌هایی چون فضای معنوی، باورهای دینی، فرهنگ اسلامی و نهاد خانواده به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز انگیزش دینی تأکید شده‌است.

۲) مقاله عبدالرضا حسین‌زاده (۱۳۹۵) با نام «انگیزش در آموزه‌های دینی اسلام با تأکید بر انگیزه‌های معنوی» با استناد به منابع دینی و آراء اندیشمندان مسلمان، ضمن بررسی نظری مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام، انگیزه‌های انسانی را به سه دسته‌ی لذت‌طلبانه، اخلاقی و معنوی تقسیم کرده و نشان داده‌است که در سبک زندگی اسلامی، انگیزه‌های معنوی مانند یاد خدا و قرب الهی در بالاترین سطح قرار دارند و می‌توانند جهت‌دهنده‌ی سایر انگیزه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی باشند.

۳) مقاله مجتبی محسنی و همکاران (۱۳۹۸) در «جایگاه فقه و انگیزه‌های معنوی در تحقق سبک زندگی اسلامی» با بیان روش‌های ایجاد انگیزه‌های معنوی مثل ترغیب و تبشیر، انگیزه‌های معنوی همچون توحید و مسئولیت‌پذیری شرعی را به‌عنوان عوامل مؤثر در جهت‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی در جهت تثبیت سبک زندگی اسلامی برشمرده‌است.

۴) مقاله بی‌بی حکیمه حسینی، علی اصغر شعاعی (۱۴۰۰) تحت عنوان «نسبت سنجی بهشت و جهنم با دیگر عوامل انگیزش اخلاقی در قرآن» به بررسی ابعاد مختلف انگیزش اخلاقی از منظر قرآن پرداخته‌است. این نوشتار نشان می‌دهد که عوامل انگیزشی همچون ایمان به خدا، مقبولیت اجتماعی و پاداش و عقاب اخروی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به رفتار اخلاقی و دینی دارند. نویسندگان با تحلیل آیات قرآن کریم، نظام انگیزشی آن را ناشی از هفت عامل معرفی می‌کنند که ترکیبی از محرک‌های درونی (مانند حب الهی) و بیرونی (همچون مقبولیت اجتماعی) است.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی اخص با عنوان «بررسی عوامل انگیزه‌بخش الهی در سبک زندگی اسلامی» یافت نشد. از این‌رو، در نوشتار حاضر در پی آنیم که این خلأ پژوهشی را پر کرده و با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و سیره معصومان علیهم‌السلام، الگویی

الهام بخش برای برانگیختن گرایش‌های صحیح و پایدار در جهت تحقق حیات طیبه ارائه دهیم. در همین راستا، با تمرکز بر عوامل انگیزه بخش «الهی» به این پرسش پاسخ خواهیم داد که چگونه انسان مؤمن پس از عبور از انگیزه‌های مادی متعارف، همچنان با شور و اشتیاق در متن زندگی مادی به فعالیت ادامه می‌دهد؟

## ۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی یکی از مبانی اساسی پژوهش‌های علمی و دینی است؛ زیرا فهم درست مفاهیم کلیدی، شرط لازم برای تفسیر صحیح متون وحیانی و پرهیز از خلط معنایی به شمار می‌رود. این دانش با روشن ساختن حدود و کارکرد واژگان، بستر استدلال علمی و بازخوانی معارف دینی را فراهم می‌سازد.

### ۱-۱. مفهوم انگیزه

برای انگیزه در کتاب‌های لغت و اصطلاح‌نامه‌ها تعاریف یکسانی بیان شده است که در ذیل برخی از این موارد اشاره می‌شود.

#### الف) معنای لغوی

انگیزه در زبان فارسی، اسمی است مشتق از مصدر انگیزختن که شکل اسم مصدر آن «انگیزش» نیز به کار می‌رود. در فرهنگ دهخدا، این واژه به معنای «تحریک، ترغیب و برانگیختن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳/۳۰۹۷). بر این اساس، انگیزه نیرویی درونی است که فرد را به انجام کاری وامی‌دارد یا او را به سوی هدفی خاص هدایت می‌کند. در فرهنگ عمید نیز واژگانی همچون «سبب، باعث و علت» به عنوان هم‌معنا با انگیزه ذکر شده‌اند که همگی بر وجود عاملی زمینه‌ساز یا پیش‌برنده در وقوع رفتار دلالت دارند (عمید، ۱۳۶۴: ۲۵۸).

در زبان عربی، واژه‌هایی مانند «دافع»، «باعث» و «حافر» برای بیان مفهوم انگیزه به کار رفته است (سبهبانی، ۱۴۲۹: ۸۷). در منابع لغوی همچون مقاییس اللغه (ابن فارس، ۱۳۶۳: ۱/۲۲۶)، الصحاح (جوهری، ۱۳۶۱: ۱/۲۲۷)، لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۱۱۶) و تاج العروس (زبیدی، ۱۳۷۲: ۵/۱۶۸)، ریشه «بعث» به معنای «إثارة» یعنی برانگیختن یا

تحریک کردن آمده است. در این منابع می‌خوانیم: «بَعَثَهُ وَابْتَعَثَهُ بِمَعْنَى، أَيْ أَرْسَلَهُ»؛ یعنی او را برانگیخت یا فرستاد. این معانی بر مفهوم محرک و برانگیزاننده این واژه دلالت دارند.

در قرآن کریم گرچه واژه‌های معادل انگیزه به‌طور مستقیم وجود ندارد، اما برخی ریشه‌های قرآنی، معنای انگیزش در رفتار انسان را به‌خوبی تبیین می‌کنند، مانند:

حَصَّ: به معنای ترغیب و تشویق؛ سه بار در قرآن درباره ترغیب به اطعام مساکین به‌کار رفته است (حاقه: ۳۴).

نزغ: به معنای تحریک ناگهانی و وسوسه‌گرانه؛ ۶ مورد از مشتقات آن در قرآن به معنای انگیزش شیطانی آمده است؛ از جمله در آیه ﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ﴾ (اعراف: ۲۰۰).

رغبت (الرغبة): اصل ریشه به معنای گستردگی و فزونی گنجایش چیزی است. زمانی که با حرف الی بکار برده شود اقتضای طلب حریصانه را دارد. می‌توان به سوره توبه به آیه ۵۹ اشاره کرد (محسنی، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

با نگاهی به منابع فارسی و عربی و همچنین مفاهیم قرآنی، روشن می‌شود که واژه انگیزه در هسته‌ی معنایی خودش مفهومی بنیادین در رفتار انسانی است که در بسترهای مختلف زبانی و دینی، به اشکال گوناگون بیان شده است.

### ب) معنای اصطلاحی

روان‌شناسان، انگیزش را عامل درونی‌ای می‌دانند که رفتار را تحریک و در مسیر مشخصی هدایت و هماهنگ می‌سازد. نکته مشترک در تعاریف آنان این است که انگیزه سازه‌ای مستقیم‌الادراک نیست، بلکه از رفتار شخص استنباط می‌شود (حجازی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). به تعبیر دیگر، انگیزه چرایی رفتار است و همان عواملی را شامل می‌شود که به رفتار نیرو می‌بخشند و به آن جهت می‌دهند. از این‌رو گفته‌اند: «انگیزه‌ها چراهای رفتارند»؛ چراهایی که فعالیت را شکل داده، استمرار بخشیده و جهت کلی رفتار فرد را تعیین می‌کنند. از انگیزه‌ها گاه به «نیازها، خواسته‌ها، کشش‌ها یا محرک‌های درونی» نیز تعبیر می‌شود (نیکونژاد، ۱۳۹۴: ۴۳).

## ۱-۲. سبک زندگی اسلامی و پیوند آن با انگیزه

از آنجا که در این پژوهش عوامل انگیزه‌بخش در سبک زندگی اسلامی بررسی می‌شود، اشاره به معنای سبک زندگی نیز ضروری است. سبک زندگی در مطالعات جامعه‌شناسی و فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش فرد اطلاق می‌شود که ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد و بازتاب‌دهنده نظام باورها، عادت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های فرد یا جامعه است.

منظور از «سبک زندگی اسلامی» آن است که همه‌گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید، ارزش‌ها و تلقی‌های فرد یا جامعه در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، بر پایه آموزه‌های دین اسلام شکل گیرد. چنین سبکی باید بتواند بخشی از «تمدن نوین اسلامی» را تشکیل دهد (باباخاه فرخانی، ۱۴۰۰: ۷).

## ۲. عوامل انگیزه‌بخش

سبک زندگی اسلامی، به‌عنوان یکی از ابعاد بنیادین نظام معارف اسلامی، ناظر به سامان‌دهی رفتارهای فردی و اجتماعی بر پایه تعالیم و حیانی است. در این میان، شناخت و تبیین عوامل انگیزه‌بخشی که به جهت‌دهی و پایداری این سبک زندگی می‌انجامند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عوامل انگیزه‌بخش در واقع محرک‌های درونی یا بیرونی‌اند که انسان را به اتخاذ رفتارهایی همسو با الگوهای ارزشی سوق می‌دهند.

در یک چارچوب کل‌نگر، می‌توان عوامل انگیزه‌بخش را در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: عوامل الهی، ولایی، روان‌شناختی و عوامل مرتبط با ساختار سبک زندگی و اجتماعی-فرهنگی. دستیابی به تصویری جامع از سازوکارهای انگیزشی در سبک زندگی اسلامی، مستلزم تحلیل منسجم و مفصل همه این سطوح است؛ با این حال، با توجه به محدودیت این پژوهش، تمرکز صرفاً بر عوامل انگیزه‌بخش الهی خواهد بود. امید است در تحقیقات آتی، ابعاد دیگر نیز بررسی شود تا الگوی جامع‌تری از انگیزش در سبک زندگی اسلامی ارائه گردد.

## ۲-۱. انگیزه‌های الهی

انگیزه‌های الهی، مجموعه‌ای از آموزه‌های اعتقادی و معنوی‌اند که در پرتو ایمان به خداوند، معاد و وحی شکل می‌گیرند و منشأ تحرک و گرایش‌های معنادار در زندگی انسان می‌شوند. این دسته از عوامل را می‌توان در سه سطح بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها بررسی کرد.

### ۲-۱-۱. بینش‌های بنیادین الهی

دین با ارائه‌ی یک جهان‌بینی توحیدی به منزله‌ی شبکه‌ای منسجم از گزاره‌های هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی، چارچوبی فراهم می‌آورد که در آن معرفت، به موتور محرک انگیزش درونی بدل می‌شود. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد هر اندازه تصویر انسان از مبدأ، هدف و مسیر زندگی روشن‌تر و دقیق‌تر باشد، میل او به حرکت در آن مسیر نیرومندتر می‌شود. در مباحث انگیزش معنوی تأکید می‌شود که شناخت صحیح، گرایش و عمل را در یک زنجیره‌ی پویا به هم پیوند می‌دهد. از این‌رو دین با سرمایه‌ی معرفتی خود، منبع تولید انگیزه‌ای عمیق‌تر و پایدارتر از مشوق‌های سطحی بیرونی است (هادی، ۱۳۸۷: ۶؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۶). باور به خدا عامل مهمی در کاهش ترس و برانگیختن عمل معرفی شده است؛ زیرا فردی که به خدا اعتقاد دارد به صفات پسندیده روی آورده، خود را در برابر اعمالش مسؤول می‌پندارد. این انگیزه معنوی او را به سوی وظایفی که خدا برعهده‌اش گذاشته سوق می‌دهد (حسومی، ۱۳۹۷: ۷). در همین راستا، مطالعات مرتبط با توکل نشان داده‌اند که بینش توحیدی تفویض کارها به خدا احساس امنیت و تصمیم‌گیری فعالانه را تقویت می‌کند و به‌ویژه در موقعیت‌های ابهام‌آلود، از در ماندگی می‌کاهد (حیدری، ۱۳۹۶: ۲۶).

قرآن کریم نیز بخش گسترده‌ای از آیات خود را به تصحیح نگرش انسان نسبت به خدا، خود و جهان اختصاص داده‌است. آیه‌الکرسی با ترسیم قدرت، علم و ربوبیت مطلقه‌ی الهی، نمای کاملی از جهان‌بینی توحیدی ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، حجاب از چهره‌ی حقیقت برمی‌دارد و جذبه‌ی کمال را در جان انسان زنده می‌کند. این عملکرد شناختی وحی سبب می‌شود میل به حقیقت و حرکت به سوی آن به انگیزش درونی مستحکمی تبدیل شود؛ انگیزه‌ای که برخلاف انگیزه‌های زودگذر، با ازدیاد معرفت فزونی می‌یابد (رازقی، ۱۳۸۸: ۶۹/۹). این بینش‌ها،

هنگامی که از سطح اطلاعات ذهنی فراتر رفته و به باور زیسته بدل شوند، نه تنها رفتارهای دینی را برمی‌انگیزند، بلکه در قلمروهای تحصیلی، شغلی و اجتماعی نیز به‌عنوان پشتوانه‌ای درونی برای پایداری و امید عمل می‌کنند. چنین انگیزه‌ای، برخلاف مشوق‌های بیرونی، در برابر فرسایش زمانی مقاوم است و با هر گام معرفتی تازه، ژرف‌تر می‌شود.

### ۲-۱-۱. معرفت و شناخت خداوند

از نگاه معارف شیعه، معرفت و شناخت خداوند سنگ‌بنای تمام کنش‌های معنوی است و بزرگ‌ترین موتور محرک درونی برای حرکت انسان به‌سوی کمال به‌شمار می‌آید. قرآن کریم در آیه مشهور «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) هدف آفرینش را عبادت معرفی می‌کند که در کلامی نورانی از امام حسین علیه السلام عبادت به معرفت تفسیر شده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۱: ۹/۱).

علامه طباطبایی نیز پیرامون نسبت عبادت با معرفت می‌فرماید:

«حقیقت پرستش، انحصار قلب در مشاهده ربوبی است و این جز به علم حضوری نفس به مبدأ ممکن نیست. بدین ترتیب، معرفت، سرچشمه عبادت اصیل می‌شود و عبادت بی‌معرفت، پوسته‌ای بی‌مغز خواهد بود» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۴: ۷۵/۲).

در خطبه اول نهج البلاغه آمده است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ...؛ آغاز دین، معرفت خداست و کمال معرفت، توحید ناب است» (نهج البلاغه، خطبه ۱). انسان موحد می‌داند مقصد نهایی او خداست؛ این وضوح مقصد، انگیزش پایدار ایجاد می‌کند و او را از سرگردانی ارزشی نجات می‌دهد. از طرف دیگر میل به زیبایی در سرشت انسان نهاده شده و چون جمال مطلق در ذات الهی است، معرفت بیشتر، عشق و کشش شدیدتری می‌آفریند. همچنین معرفت توحیدی وابستگی انسان را از ارزش‌های ناپایدار می‌برد و هویت او را بر ثابت‌ترین حقیقت بنا می‌کند.

## ۲-۱-۱-۲. باور به حکیمانه و هدفمند بودن جهان خلقت

اعتقاد به هدفمندی و حکمت در نظام آفرینش از ارکان اساسی جهان‌بینی توحیدی است که می‌تواند نقشی بنیادین در انگیزش انسان ایفا کند. نداشتن ایمان به معاد و آخرت، موجب زینت‌یافتن اعمال زشت و گم‌گشتگی انسان در مسیر زندگی می‌شود (طاهری، ۱۳۷۶: ۱۰۷). در مقابل، ایمان به معاد فرد را به بازنگری واقع‌بینانه‌ی اعمال خویش وامی‌دارد و او را از پوچی و سرگردانی می‌رهاند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾ (نمل: ۴). واژه‌ی «عمه» به معنای تحیر و سرگردانی است و عبارت «فهم یعمهون» در پی مضمون پیشین آمده است؛ یعنی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در نتیجه‌ی غرور نسبت به اعمال خود، دچار گمراهی و بی‌هدفی می‌شوند. این سرگردانی، ناشی از غفلت آن‌ها نسبت به عظمت آفرینش و آفریدگار حکیم آن و نیز نادیده‌انگاری حدود دانش محدود انسانی است که موجب محرومیت از هدایت ربوبی می‌شود (افشار، ۱۳۸۷: ۱۴۵؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۸/۱۵).

در نقطه‌ی مقابل، انسانی که به معاد معتقد است، زندگی را هدفمند می‌بیند و به حقیقتی متعالی دل می‌بندد. او می‌داند که هستی او به مرگ پایان نمی‌پذیرد، بلکه مرگ، پلی است برای ورود به حیات باقی در سرای دیگر. چنین انسانی با باور به بازگشت به سوی پروردگار، تمام تلاش خود را برای بندگی، مسئولیت‌پذیری و مراقبت از اعمال خویش به کار می‌بندد و بدین ترتیب، آینده‌ی روشن خود را رقم می‌زند: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ (مؤمنون: ۶۰) (سامانی، ۱۳۸۹: ۱۲).

پذیرش غایت‌مندی، برای انسان من‌مخاطب می‌سازد؛ وقتی می‌فهمد خودش و جهان برای رسیدن به کمالی خاص طراحی شده‌اند، عبادت را کوتاه‌ترین راه هماهنگ شدن با آن طراحی می‌بیند، نه صرفاً اجرای فرمان. نتیجه روان‌شناختی مستقیم این بینش، افزوده شدن معنا به رفتار عبادی است و معنا از مؤلفه‌های اصلی انگیزش پایدار است. ایمان به هدفمندی، احساس وظیفه شرعی را از بیرون‌سپاری به انگیزه‌ای درونی بدل می‌کند؛ عبادت به جای عمل‌تحمیلی، پاسخ آگاهانه به طرح آفرینش می‌شود.

با این حال، باید توجه داشت هدفمند بودن نظام خلقت به معنای آن نیست که خداوند متعال، خود نیازمند هدفی بیرون از ذات خویش باشد یا خلقت را برای نیل به کمالی انجام داده باشد؛ زیرا خداوند، کمال مطلق و غایت نهایی همه‌ی غایات است. غایت از آفرینش، عبادت و عبودیت انسان است، نه غایت خالق. چنان‌که در این بیان حکیمانه آمده است: «خالق، خود کمال مطلق و نهایت همه‌ی نهایت‌ها و مقصد نهایی همه‌ی حرکت‌هاست» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۹۳/۲).

### ۲-۱-۳. باور به بهشت و جهنم

باور به زندگی اخروی و حقیقت بهشت و جهنم است که اثربخشی تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی رفتارها و انتخاب‌های انسان دارد. همان‌طور که در منابع معتبر آمده است، شادی و سرور واقعی انسان باید معطوف باشد به آنچه برای آخرت کسب کرده و اندوه و تأسف او باید به خاطر محرومیت از نعمت‌های اخروی باشد: «فَلْيَكُنْ سُرُورُكَ بِمَا نِلْتَ مِنْ آخِرَتِكَ وَلْيَكُنْ أَسْفُكَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنْهَا» (نهج البلاغه، نامه ۲۲).

زندگی اخروی، که زندگی حقیقی انسان محسوب می‌شود، تنها به معنای وجود پس از مرگ ظاهری نیست که به صورت کلی برای همه -چه بهشتیان و چه دوزخیان- حاصل شود؛ بلکه این زندگی نوعی کیفیت متعالی است که پیش از مرگ نیز امکان تحصیل آن وجود دارد و در عالم آخرت به صورت کامل و تمام‌عیار در قالب بهشت برین ظهور می‌یابد. این نگرش باعث می‌شود انسان، نه تنها از ترس عذاب و عواقب اعمال ناپسند، بلکه با انگیزه‌ی حقیقی و دلگرمی به رسیدن به جایگاه رفیع بهشت، به سوی پاکی، معنویت و تلاش در مسیر بندگی حرکت کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۸).

بنابراین، باور به بهشت و جهنم به‌عنوان دو حقیقت غیرقابل انکار و عینی، نیروی محرکه‌ای قوی در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است که فرد را به زندگی هدفمند و آگاهانه سوق می‌دهد و از غفلت، انحراف و سرگردانی نجات می‌بخشد.

### ۲-۱-۴. ترس از عقوبت‌های دنیوی و میل به آثار نیک اعمال

در آموزه‌های اسلامی، ترس از عقوبت‌های دنیوی ناشی از گناهان و نافرمانی‌ها، یکی از عوامل مهم و مؤثر در تقویت انگیزه‌های دینی و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی است. این ترس اگرچه

ممکن است در ظاهر منفی به نظر برسد، اما در واقع یک عامل پیشگیرانه و تربیتی عمیق است که انسان را به بازنگری در اعمال و حرکت در مسیر درست هدایت می‌کند. قرآن کریم به وضوح اشاره می‌کند که گناهان علاوه بر تأثیرات اخروی، پیامدهای مستقیم و ملموسی در زندگی دنیوی نیز به دنبال دارد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ﴾ (عنکبوت: ۴۰)، که نشان می‌دهد هر قوم به دلیل گناهانشان دچار عذاب‌های دنیوی از قبیل زلزله، سیل، بادهای سهمگین و فروپاشی اجتماعی شده‌اند.

روایات معصومان نیز بر اهمیت این آموزه تأکید دارند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ عَلَىٰ خِيَارِكُمْ؛ باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند بدهای شما را بر خوبانتان مسلط می‌گرداند و در این صورت نیکانتان دعا می‌کنند، ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳/۳۷۸) و امام صادق (ع) بیان داشتند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَأْتِي الذَّنْبَ، فَيُحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ؛ به راستی مؤمن، به سبب گناهی که انجام می‌دهد، از روزی (و رزق) محروم می‌گردد» (همان: ۳۴۹/۷۳). این سخنان حکایت از آن دارد که ترک وظایف دینی و ارتکاب گناه، علاوه بر پیامدهای اخروی، سبب ایجاد گرفتاری‌ها و مشکلات دنیوی می‌شود که زندگی فرد و جامعه را تهدید می‌کند.

با نظر به این آموزه‌ها توجه به آثار دنیوی گناهان می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای ترک معصیت، خودسازی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایجاد کند. مؤمن با آگاهی از این حقیقت که اعمال او با پیامدهایی چون فقر، اضطراب، تزلزل خانواده یا جامعه در دنیا گره خورده است، انگیزه‌ای مضاعف برای اصلاح رفتار و ارتقای جامعه پیدا می‌کند. در قرآن نیز آمده است: ﴿فَأَنْزَلْنَا عَلَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (بقره: ۵۹)، که تأکیدی بر وجود ابتلائات و کیفرهای دنیوی برای ستمگران است. همچنین آیات دیگری مانند ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (انعام: ۴۲) و ﴿مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه: ۱۲۴) بر سختی‌ها و فشارهای زندگی اشاره دارند که می‌تواند ناشی از گناهان و نافرمانی‌ها باشد.

از بزرگان نیز نقل شده است که اگر فردی در زندگی روزمره دچار لغزش و گرفتاری شود، باید در اعمال و رفتار خود تأمل کند و ریشه آن را در غفلت‌ها و خطاهای خویش جستجو نماید. شیخ رجبعلی خیاط نیز فرموده‌اند: «بی‌جهت برای شما گرفتاری پیش نمی‌آید» (حسینی طهرانی، ۱۳۸۷/۸: ۱۸۷).

بدین ترتیب، ترس از عقوبت‌های دنیوی نه تنها نوعی هراس بیهوده نیست، بلکه ابزاری تربیتی و انگیزه‌بخش است که با آگاه‌سازی انسان نسبت به نظام دقیق علت و معلولی جهان، زمینه‌ی تقویت عمل صالح و اصلاح فرد و جامعه را فراهم می‌کند. هرچند اصل انگیزه و هدف یک مؤمن باید متوجه زندگی اخروی باشد اما به‌خاطر عواملی چون ضعف ایمان و انس با عالم ماده و محسوسات، این نوع ترس از عقوبت‌های دنیوی انگیزه قوی برای کارهای خیر و دوری از محرّمات محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال بسیاری افراد ممکن است صله رحم را به دلیل اثر آن در افزایش طول عمر انجام دهند یا بسیاری از نذورات مربوط به امام حسین علیه السلام در جهت نیل به حاجات دنیوی انجام می‌شود.

## ۲-۱-۲. گرایش‌ها

در نظام تربیتی اسلامی، انگیزش الهی به‌عنوان یکی از عمیق‌ترین و پایدارترین منابع تحریک انسان به حرکت، رشد، و معناجویی مطرح می‌شود. این نوع انگیزش، برخاسته از پیوند درونی انسان با حقیقتی فراتر از عالم ماده است که در قالب ایمان، محبت الهی و احساس مسئولیت در برابر خداوند نمود می‌یابد. برخلاف انگیزه‌های مادی که محدود، ناپایدار و وابسته به عوامل بیرونی‌اند، انگیزش الهی از نوعی عمق وجودی برخوردار است که می‌تواند درونی‌ترین لایه‌های شخصیت را فعال سازد و انسان را به کنش‌های هدفمند، اخلاقی و متعالی سوق دهد.

در تایید این دیدگاه می‌گوئیم: حتی در حوزه روان‌شناسی غربی نیز دین و احساسات مذهبی به‌عنوان نیرویی اثربخش در انگیزش فردی مورد توجه قرار گرفته‌اند. ویلیام جیمز، روان‌شناس و فیلسوف آمریکایی، دین را منبعی اصیل در ایجاد نشاط روانی و دوری از افسردگی می‌داند. او می‌نویسد:

«مذهب در عالی‌ترین پرواز خود، چقدر شورانگیز است. مذهب هم مانند عشق، مانند غضب، امید، آرزو و حسد، مانند سایر عواطف و تحریکات

درونی، به زندگی چنان درخشندگی سحرانگیزی می‌دهد که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را بیان و وصف کرد. بنابراین احساسات مذهبی در نزد هر کس که یافت شود، یک نیروی روزافزونی در زندگی او وارد می‌کند» (جیمز، ۱۳۸۷: ۳۹؛ توگلی، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

از این‌رو انگیزش الهی نه تنها در منظومه فکری اسلامی، بلکه حتی در تحلیل‌های تجربی روان‌شناسانه نیز به‌عنوان محرکی اصیل و عمیق در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند اساس بسیاری از تحرکات مثبت، پایدار و اخلاق‌محور انسان باشد.

#### ۲-۱-۲. عشق و محبت الهی

در ساحت معارف اسلامی، عشق به خداوند از اصیل‌ترین و اثرگذارترین عوامل انگیزه‌بخش در حیات معنوی انسان است؛ عشقی که هم‌زمان با معرفت، نقش پیشران در سلوک فردی و اجتماعی مؤمن ایفا می‌کند و او را از سطح انگیزش‌های معمول فراتر برده، به مراتب والای پرستش عاشقانه می‌رساند.

علامه طباطبایی در تفسیر میزان این حقیقت را چنین تبیین می‌کند:

«محبّة الله سبحانه و تعالی هو الغرض الأقصى من الدّین، و هو الواجب علی کلّ متدین بالدّین أن یجلبها من ربّه بالتّابع؛ محبت خداوند سبحان و تعالی، عالی‌ترین هدف دین است، و بر هر دینداری واجب است که این محبت را از پروردگار خود، از راه پیروی (از او و فرستادگانش) به دست آورد» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۶۴/۲).

بر اساس این بیان، غایت نهایی دین، عشق به خداست و این عشق از مسیر تبعیت و بندگی حاصل می‌شود. خداوند نیز در قرآن با صراحت این حقیقت را بیان می‌کند: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران: ۳۱).

محبت الهی، نه صرفاً یک گرایش قلبی، بلکه نیرویی انگیزشی است که تمام قوای انسان را در مسیر تعالی بسیج می‌کند. این محبت در عمق وجود مؤمن ریشه می‌دواند و او را از درون به

سوی محبوب حقیقی سوق می‌دهد؛ چنان‌که در مناجات‌های عارفانه، این شوریدگی با تعبیراتی ژرف و شاعرانه وصف شده است. امام سجاد علیه السلام در یکی از مناجات‌های خویش می‌فرماید:

«إِلَهِي فَأَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّجَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ...؛ خدایا! ما را از زمره کسانی قرار ده که در باغ‌های سینه‌هایشان درختان شوق به سوی تو رسته است، و سوز و گداز محبت تو، سراسر دل‌هایشان را فرا گرفته است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۹۴).

در این فقره، عشق الهی همچون درختانی معرفی شده که در بوستان جان انسان روئیده و سوز اشتیاق دیدار محبوب سراسر قلب او را فرا گرفته است. نتیجه چنین عشقی، پناه بردن عاشق به آشیانه‌های تفکر و سیر در باغ‌های قرب و مکاشفه است؛ چنان‌که با نوشیدن از جام محبت، به سرچشمه صفرا راه می‌یابد و به طهارت درون نائل می‌گردد.

محبت الهی، انگیزه‌ای است که نه تنها شور بندگی را در دل برمی‌انگیزد، بلکه ظرفیت‌های عاطفی، عقلانی و ارادی انسان را در مسیر سلوک الهی به فعلیت می‌رساند. علامه طباطبایی در جای دیگری از میزان، عبادت حقیقی را هدف غایی آفرینش و تحقق آن را در گرو انقطاع از غیر و اتصال به ذکر حقیقی پروردگار می‌داند:

«فَحَقِيقَةُ الْعِبَادَةِ هِيَ الْغَرَضُ الْأَقْصَى مِنَ الْخَلْقَةِ، وَهِيَ أَنْ يَنْقَطِعَ الْعَبْدُ عَنْ نَفْسِهِ وَعَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَيَذْكُرَ رَبَّهُ؛ حَقِيقَتِ يَقِينِ آن است که بنده، هیچ چیز را از خداوند پنهان ندارد، و جز برای او کاری انجام ندهد، و هیچ چیزی را بر عبادت پروردگارش ترجیح ندهد، و در هر حال، پروردگار خویش را یاد کند» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۸/۳۸۸).

در چنین حالتی، انگیزه‌های سطحی و متزلزل جای خود را به عشقی استوار و مستمر می‌دهند که در متن آن، حتی رنج نیز معنا می‌یابد و سختی‌ها به شیرینی می‌گرایند. محبت خداوند، درون مؤمن را لبریز از آرامش، امید و پویایی می‌کند و او را در همه میدان‌های زندگی به انگیزه‌ای تعالی‌بخش و پایدار مجهز می‌سازد.

## ۲-۱-۲-۲. توکل به خدا

از ریشه‌دارترین و نیرومندترین عوامل انگیزش الهی توکل است. توکل، نه به معنای انفعال یا چشم‌پوشی از تلاش، بلکه نقطه اوج ایمان به حکمت و تدبیر خداوند است؛ جایی که انسان پس از به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های خود، دل به قدرتی می‌سپارد که بالاتر از اسباب مادی و محدود بشری است. خداوند در سوره طلاق با صراحت، قاعده‌ای عام و فراتر از محاسبات متعارف بشری را تبیین می‌کند: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد، و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند ﴿(طلاق: ۲-۳).

بر اساس این آیه، توکل حقیقی نه‌تنها انسان را از بن‌بست‌ها رهایی می‌بخشد، بلکه او را به بهره‌هایی می‌رساند که در محاسبات عادی نمی‌گنجد؛ و مهم‌تر اینکه، کسی که بر خدا اعتماد کند، خداوند کفایت او را می‌کند، یعنی خود ضامن پیشبرد کار او می‌گردد.

استاد شهید مطهری در تحلیل این آیه می‌نویسد:

«در این آیه، گویی قانونی که فوق همه قوانین و حاکم بر همه آنهاست بیان شده و آن، قانون تقوا و توکل است. هر کس بر خدا به حقیقت توکل کند، عنایت خدا را همراه دارد... و رسیدن به هدف، قطعی است؛ این قانون بر همه قانون‌های دیگر حکومت می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۶: ۱/۱۴۱-۱۴۲).

این آموزه، روحیه مخاطب مؤمن را از محدوده تردید و ترس بیرون می‌برد و او را دعوت می‌کند که به سراغ کارهای دشوار، بلکه محال‌نما برود. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیفی عمیق از جایگاه توکل در مجاهدت‌ها می‌فرماید:

«بروید سراغ کارهای نشدنی، تا بشود. تصمیم بگیرید بر برداشتن کارهای سنگین، تا بردارید؛ و لا یخشون أحداً إلا الله. خب، زحمت‌هایش چه؟ رنج‌هایش چه؟ محرومیت‌هایش چه؟ جوابش این است: و کفی بالله حسیباً؛ خدا را فراموش نکن، خدا حسابت را دارد...» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۲۵/۶).

از این منظر، توکل نوعی اعتماد خلاقانه به خداوند است که نه به معنای تسلیم صرف، بلکه به معنای حرکت با ایمان در دلِ ناشناخته‌هاست؛ ایمان به اینکه اگر انسان قدم در مسیر الهی بگذارد، حتی در دشوارترین شرایط، مسیرهایی از جایی که گمان ندارد، گشوده خواهد شد، من حیث لا یحتسب.

در نهایت، توکل نیرویی درونی برای پایداری، امید و تاب‌آوری است که مؤمن را در برابر سختی‌ها مقاوم ساخته و اعتماد به تدبیر برتر را جان‌مایه انگیزش و استمرار در حرکت قرار می‌دهد. در منطق توکل، خداوند نه ناظر بیرونی بلکه فاعل در صحنه است و همین باور، منشأ تحوبلی عمیق در نگرش و رفتار فرد مؤمن خواهد بود.

### ۲-۱-۲. رضایت و تسلیم (رضا به قضا)

حالت درونی رضا و تسلیم نسبت به مشیت الهی نه تنها یک واکنش منفعلانه به تقدیر نیست، بلکه نوعی گرایش الهی فعال و پویانده است که از معرفت عمیق انسان نسبت به خداوند، و اطمینان قلبی به حکمت و ربوبیت او برمی‌خیزد. در این حالت، انگیزه انسان از منبعی والاتر از خواسته‌های فردی یا مادی سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی از اعتماد و رضایت به آنچه خداوند برای او مقرر داشته است.

رضا پرتویی از نور معرفت خداست و معنای آن، شادی و آرامش درونی است. این تعریف، نشان می‌دهد که یکی از آثار معرفت الهی، ایجاد گرایشی انگیزشی است که در قالب آرامش، پایداری، و پویایی درونی بروز می‌کند. در پرتو این معرفت و تسلیم، فرد مؤمن نه تنها دچار سردرگمی و سستی نمی‌شود، بلکه انگیزه‌ای پایدار و متعالی برای حرکت در مسیر تکامل پیدا می‌کند. به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «إِزْصَ بِقَسْمِ اللَّهِ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ؛ به آنچه خدا برایت قسمت کرده است راضی باش، تا از همه مردم بی‌نیازتر شوی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۸/۶۹).

رضایت به آنچه خدا مقرر کرده، سرچشمه‌ی بی‌نیازی روانی و عزت درونی است. این احساس بی‌نیازی، یکی از مهم‌ترین عناصر انگیزشی در انسان دین‌باور است که او را از دغدغه‌های سطحی رها کرده و به او افق بلندتری برای تلاش و پایداری می‌بخشد.

در آموزه‌های امام صادق علیه السلام آمده است که: «الرَّوْحُ وَالرَّاحَةُ فِي الرِّضَا وَالْيَقِينِ، وَالْهَمُّ وَالْحُزْنُ فِي الشُّكِّ وَالسُّخْطِ؛ آسایش و آرامش، در رضا (به تقدیر الهی) و یقین است و اندوه و غم، در نارضایتی و شک و تردید قرار دارد» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: ۲/۱۰۹۴). این بیان نورانی نشان می‌دهد که پذیرش تقدیر الهی و تثبیت یقین قلبی، عامل اصلی ایجاد نشاط روحی است؛ درحالی‌که تردید در تقدیر و نارضایتی، منبع اندوه و اضطراب در جان انسان می‌گردد. بر این اساس، رضای الهی نه فقط یک حالت احساسی، بلکه یک محرک و نیروی پیشران است که انسان را به سمت انتخاب‌های اخلاقی، استقامت در مسیر، و پذیرش مسئولیت‌های دینی و اجتماعی سوق می‌دهد.

از منظر تربیتی نیز، فردی که به مقام رضا دست یافته، از انگیزه‌ای درونی و پایدار برخوردار است که نه تحت تأثیر شرایط بیرونی تحلیل می‌رود و نه با تغییرات محیطی دچار نوسان می‌شود. این نوع انگیزش، برخاسته از گرایش توحیدی و اعتماد توکل محور به خداوند است که فرد را در مسیر تعالی شخصی و اجتماعی تثبیت می‌کند. در نتیجه، رضا و تسلیم نه تنها از نتایج رشد معنوی هستند، بلکه خود یکی از بنیادی‌ترین عوامل انگیزش الهی به شمار می‌آیند؛ عاملی که با پیوند دادن انسان به حکمت و رحمت الهی، او را از درون پر می‌انگیزد تا با آرامشی عمیق، گام در مسیر بندگی، رشد، و خدمت بگذارد.

#### ۲-۱-۲-۴. کمال طلبی

کمال‌طلبی کششی درونی است که همگان، فارغ از قومیت، زبان، یا فرهنگ، آن را تجربه می‌کنند. این میل ریشه‌دار، انسان را به سوی سعادت مطلق سوق می‌دهد، زیرا فطرت انسان نه تنها کمال‌خواه، بلکه راحت‌طلب و آرامش‌جو نیز هست. چنان‌که امام خمینی (قدس سره) در آداب الصلاة می‌فرماید:

«فَطَرْتُ كَمَالَ طَلَبٍ وَ رَاحَتِ طَلَبٍ اسْتِ، وَ حَقِيقَةَ سَعَادَتٍ، كَمَالَ مَطْلُوقٍ وَ

رَاحَتِ مَطْلُوقٍ اسْتِ» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

از این منظر هرگونه انگیزه‌ای برای رشد، تعالی و رهایی از نقص‌ها و محدودیت‌ها، جلوه‌ای از همین فطرت است که در عمق جان انسان جای دارد.

در جهان‌بینی توحیدی، این کمال‌طلبی تنها در دست‌یابی به مراتب دنیوی متوقف نمی‌شود، بلکه نهایت آن، وصول به فناءالله و شهود جمال مطلق الهی است؛ یعنی اتصال به دریای بی‌کران نور و حقیقت. در همین راستا، امام خمینی (قدس سره) نماز را نقطه تلاقی این گرایش فطری با ساحت عبودیت می‌داند و می‌نویسد:

«صلوات و وصول بفناء الله و اتصال به بحر غیر متناهی و جویی است ... و راحتی مطلق و طمأنینه کامله نیز در آن پیدا شود و دو رکن سعادت حاصل آید؛ پس نماز، فلاح مطلق است» (همان).

بدین ترتیب، مسیر بندگی، پاسخ واقعی به میل فطری انسان برای کمال‌یافتگی است؛ انگیزه‌ای که نه از بیرون تحمیل می‌شود و نه با گذر زمان کهنه می‌گردد، بلکه در ذات آدمی ریشه دارد.

از نگاه دینی، تربیت انگیزه‌ی کمال‌خواهی، یعنی سوق‌دادن آن به سمت و جهت الهی. هنگامی که انسان درمی‌یابد که هیچ موجودی جز خداوند، کمال مطلق و خیر محض نیست، فطرت او به بیداری می‌رسد و نیروهای درونی‌اش برای رسیدن به آن هدف بسیج می‌شوند. در نتیجه، گرایش به عبادت، خودسازی، تقوا و تلاش در راه حق از دل این کمال‌خواهی می‌جوشد و نه تنها انگیزه‌ای پایدار، بلکه جهتی عمیق به زندگی می‌بخشد.

به همین دلیل، یکی از ظریف‌ترین و عمیق‌ترین راه‌های انگیزش الهی در انسان، شکوفاسازی همین میل فطری است؛ گرایشی که اگر به‌درستی هدایت شود، انسان را از حنیض لذت‌های زودگذر به اوج وصال با حق تعالی می‌رساند. این همان انگیزه‌ای است که بندگان راستین خدا را به عبادتی عاشقانه، جهادی خالصانه، و مجاهدتی مداوم می‌کشاند.

## ۲-۱-۳. راه‌های عملی پیوند با خدا

یکی از کارآمدترین راه‌های تقویت انگیزه‌های الهی در انسان، تعمیق پیوند وجودی و قلبی با خداوند متعال است. این پیوند صرفاً یک رابطه ذهنی یا اعتقادی نیست، بلکه یک نظام ارتباطی

زنده، پویا و مؤثر است که می‌تواند تمامی ابعاد وجود انسان را در بر گرفته و محرک قوی برای رفتارهای مبتنی بر ایمان، تقوا و مسئولیت‌پذیری دینی باشد. از منظر آموزه‌های اسلامی، انسان موجودی است خداجو و فطرت‌گرای، و انگیزش‌های حقیقی او زمانی به شکوفایی می‌رسد که اتصال درونی‌اش با خداوند تقویت گردد.

در بعد عملی، نماز، دعا، تلاوت قرآن، تفکر و مراقبه‌ی قلبی از مهم‌ترین ابزارهای فعال‌سازی این پیوند معنوی هستند. امام سجاد علیه السلام در مناجات ارادت‌مندان، زبان حال یک انسان عاشق را چنین ترسیم می‌کند: «إلهی ... ما أَضَيَّقُ الطُّرُقَ عَلَی مَنْ لَمْ تَكُنْ ذَلِيلَهُ، وَأَوْصَحَ الْحَقُّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ؛ خدایا! چه تنگ است راه‌ها بر کسی که تو راهنمای او نباشی و چه روشن است حقیقت برای آن کس که تو او را هدایت کرده‌ای» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۷/۹۴).

این مطلب نشان می‌دهد که جهت‌یابی واقعی تنها با اتصال به هدایت الهی ممکن است و هر چه این ارتباط عمیق‌تر شود، انگیزش درونی انسان برای حرکت به سوی کمال نیز نیرومندتر خواهد شد.

در منابع عرفانی و اخلاقی، همواره بر نقش کلیدی ذکر و توجه قلبی به خداوند تأکید شده‌است؛ چراکه این سلوک باطنی، دل انسان را از غفلت پاک می‌سازد و اشتیاق به قرب الهی را در جان او زنده می‌کند. در کلمات نورانی امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «ذکر الله جلاء الصِّدور و طمأنینة القلوب؛ یاد خدا، روشنی‌بخش سینه‌ها و مایه آرامش دل‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱/۳۶۹).

از سوی دیگر، تجربه‌ی حضور در محضر الهی، خواه در خلوت شبانه یا در جمع اهل ایمان، زمینه‌ای برای تقویت پیوند وجودی با خدا فراهم می‌کند. این حضور، آرامشی درونی می‌آورد که خود، از بزرگ‌ترین منابع انگیزش معنوی است. چنان‌که قرآن وعده می‌دهد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

به‌طور کلی، می‌توان گفت پیوند با خدا، هم از نظر شناختی، هم عاطفی و هم رفتاری، یکی از پایدارترین منابع ایجاد انگیزه الهی است. هر چه این پیوند عمیق‌تر و آگاهانه‌تر شود، فرد مؤمن انگیزه بیشتری برای مجاهدت، عبودیت، اصلاح نفس و خدمت به خلق خواهد داشت.

## ۲-۱-۳-۱. ذکر و دعا

عبارت «بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةٌ» در دعای شریف کمیل، گویای تأثیر شگرف ذکر و یاد الهی در شکوفاسازی استعداد های انسانی، ایجاد نشاط معنوی و تأمین امنیت روانی است. از منظر اسلام، ذکر خداوند در ساحت های مختلف - درونی (قلبی)، بیرونی (زبان، رفتار و اعمال)، و در قالب عبادات ویژه نظیر دعا، نماز و تلاوت قرآن- پیوندی عمیق و پایدار میان انسان و سرچشمه هستی برقرار می‌سازد. این اتصال، موجب میشود تا انسان در مواجهه با دشواری های زندگی، از پشتوانه ای انگیزشی معنوی برخوردار گردد که توان عبور از بحران ها را در وی تقویت می‌کند. در این راستا، علامه طباطبایی می‌فرماید:

«ذکر خداوند باعث توجه قلب انسان به قدرت و عظمت پروردگار و نعمت های بی پایان او می‌شود و در نتیجه در صحنه های دشوار زندگی برای انسان نیرو آفرینی می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴۱۱/۱۲).

این مطلب به روشنی بیانگر جنبه انگیزشی و حیات بخش ذکر در ساحت رفتاری انسان است. همچنین می‌توان به فرمایش عارف وارسته، حضرت آیت الله بهجت رحمته اشاره کرد که اگر کسی بداند «هر که خدا را یاد کند، خدا همنشین اوست»، دیگر نیازی به هیچ موعظه ای ندارد (ساعی، ۱۳۹۵: ۳۰). این بیان حکیمانه، به شکلی موجز، بیانگر اثر تربیتی و انگیزشی ذکر الهی در زندگی انسان است؛ زیرا انسان مؤمن با درک حضور مهربانانه و مداوم خداوند، انگیزه های مستمر در مسیر بندگی برای حرکت، رشد و تعالی خواهد یافت.

## نتیجه گیری

بی تردید در دست یابی به سبک زندگی مطلوب شرعی و آموزه های دینی، عوامل متعددی مؤثرند که در این نوشته به انگیزه های الهی پرداخته شد. این انگیزه ها در سبک زندگی اسلامی دارای سه بعد اصلی هستند: بینش های انگیزه بخش، گرایش های درونی و راه های عملی پیوند با خداوند. بینش های انگیزه بخش شامل معرفت و شناخت عمیق نسبت به خداوند، عشق به خدا، ترس از عقوبت های دنیوی و اخروی، و هدفمند بودن خلقت است که زمینه ساز انگیزش معنوی و هدایت رفتار انسان می‌شود. در سطح گرایش های درونی، عشق به خدا، توکل، رضایت و



تسلیم و کمال طلبی، به‌عنوان محرک‌های روانی اصلی، رفتار مؤمن را جهت‌دهی می‌کنند و او را در مسیر رشد و تعالی پایدار نگه می‌دارند.

راه‌های عملی، مانند ذکر و یاد مستمر خداوند، نماز، دعا و تلاوت قرآن، ابزارهای مؤثری برای تقویت، تثبیت و استمرار این انگیزه‌ها هستند. این سه بعد در تعامل با یکدیگر، نه تنها زمینه‌ساز پایداری سبک زندگی اسلامی می‌شوند، بلکه امکان رشد معنوی، تقویت ایمان و حرکت هدفمند در زندگی روزمره را برای انسان فراهم می‌آورند.

در مجموع، می‌توان گفت انگیزه‌های الهی، به‌عنوان منبعی درونی و پایدار، ستون فقرات سبک زندگی متعالی اسلامی را تشکیل می‌دهند و نقش کلیدی در حفظ تعادل روحی، امید و حرکت اخلاقی فرد ایفا می‌کنند.



## کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ ۱، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نهج البلاغه، سیدرضی (۱۳۸۷). ترجمه دشتی، چ ۱۴، قم، الهادی.
۱. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۱). *علل الشرائع*، چ ۲، قم، زهیر.
  ۲. ابن فارس، احمد (۱۳۶۳). *معجم مقائیس اللغة*، چ ۱، قم، مکتب الاعلام اسلامی.
  ۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، چ ۳، بیروت، دار صادر.
  ۴. افشار، اسدالله (۱۳۸۷). *راه بی بازگشت*، چ ۲، تهران، سفیر اردهال.
  ۵. باباخاه فرخانی، مصطفی (۱۴۰۰). *کارکرد شکر در سبک زندگی اسلامی*، دومین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی، مشهد.
  ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم*، چ ۲، قم، دار الکتاب الإسلامی.
  ۷. توگلی، محمدجواد؛ قاسمی شهری، علی (۱۳۹۹). *بررسی نقش تربیتی نشاط معنوی با توجه به گزاره‌های قرآنی و روایی*، نشریه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، پاییز و زمستان، ش ۲.
  ۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *تحریر رساله الولاية*، چ ۶، قم، أسرا.
  ۹. جوهری، إسماعیل بن حماد (۱۳۶۱). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، چ ۳، بیروت، دارالعلم للملایین.
  ۱۰. جیمز، ویلیام (۱۳۸۷). *دین و روان*، ترجمه مهدی قائینی، قم، دارالفکر.
  ۱۱. حجازی، سید علیرضا (۱۳۹۴). *عوامل بنیادین ایجاد انگیزش در سیره تربیتی معصومان علیهم السلام*، همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم.
  ۱۲. حسومی، ولی‌الله؛ کارگزار، سارا (۱۳۹۷). *نقش پاوربه خدا در ایجاد امید*، کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت.
  ۱۳. حسین‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۵). *انگیزش در آموزه‌های دینی اسلام با تأکید بر انگیزه‌های معنوی*، کنفرانس جهانی روان‌شناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی،



شیراز.

۱۴. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). *معادشناسی*، چ ۱۳، بی‌جا، علامه طباطبایی.

۱۵. حسینی، بی‌بی حکیمه؛ شعاعی، علی اصغر (۱۴۰۰). *نسبت سنجی بهشت و جهنم با دیگر عوامل انگیزش اخلاقی در قرآن*، نشریه مشکوه، ش ۱۵۰.

۱۶. حیدری، اعظم (۱۳۹۶). *نقش بینش توحیدی در کسب فضیلت توکل*، دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت.

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹/۲۵/۶). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*، سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، کد: ۱۰۱۴۱، <https://khl.ink/f/10141>.

۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *فرهنگ دهخدا*، تهران، روزنه.

۱۹. رازقی، هادی (۱۳۸۸). *تأثیر بینش بر انگیزش در تربیت دینی و اخلاقی*، مجله معرفت، ش ۶۹.

۲۰. زبیدی، مرتضی (۱۳۷۲). *تاج العروس*، ج ۳۴، چ ۱، بیروت، دارالفکر.

۲۱. ساعی، سید مهدی (۱۳۹۵). *به سوی محبوب*، چ ۸، بی‌جا، شفق.

۲۲. سامانی، سید محمود (۱۳۸۹). *آثار تربیتی اعتقاد به معاد*، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۴.

۲۳. سبهانی، رؤوف (۱۴۲۹). *المعجم الفرضی*، بی‌جا، بیروت، دارالمحجّه البيضاء.

۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۴). *مجموعه رسائل علامه طباطبایی*، چ ۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۵. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱). *مصباح المتهجد*، بیروت، فقه الشیعه.

۲۶. عمید، حسن (۱۳۶۴). *فرهنگ عمید*، بی‌جا، امیرکبیر.

۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، چ ۲، بی‌جا، موسسه الوفاء.

۲۸. محسنی، مجتبی؛ ایرانمنش، جلا؛ محمدحسین زاده، عبدالرضا (۱۳۹۸). *جایگاه فقه و*